ISSN: 2717-3216 Journal of Family Psychology 2023 10(2), 138-153 https://www.ijfpjournal.ir/

Journal of Family Psychology

Research Paper

10.22034/IJFP.2024.1975387.1185

The Structural Relationship of Parental Burnout and Mothers' Early Memories of Warmth and Safeness: The Mediating Role of Self-criticism

Marziyeh Sadeghzadeh[1*], Maryam Safari Shirazi[2], Moslem Abbasi[3], Farzaneh Bahrami[4]

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Salman Farsi University of Kazerun, Kazerun, Iran.
2. PhD candidate in Psychology, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khoramabad, Iran .
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Salman Farsi University of Kazerun, Kazerun, Iran .
4. Master of Psychology, Department of Psychology, Faculty of Literature and Human Sciences, Salman Farsi University of Kazerun, Kazerun, Iran.

Article Info.

Received: 27.11.2022

Accepted: 26.06.2023

Keywords:

Early memories of warmth and safeness, parental burnout, self-criticism

Abstract

Abstract

Being a parent can be considered one of the most important and at the same time the most enjoyable life experiences of any individual; however, for some fathers and mothers, this role is associated with increasing challenges and can become a source of daily or chronic tensions and ultimately burnout. Therefore, the present study investigated the mediating role of self-criticism in the relationship between mothers' early memories of warmth and safeness and their experiences of parental burnout. This research is a descriptive cross-sectional study based on structural equation modeling which studied a sample of mothers in Isfahan (i.e., 319 mothers). The statistical population included mothers who had preschool children in the academic year of 2020-2021, and the data was collected virtually based on available sampling method. The research instruments included the Parental Burnout Assessment (Roskam et al., 2018), Forms of Criticism/Self-Attacking and Self-Reassuring Scale (Gilbert et al., 2004), and Early Memories of Warmth and Safeness scale (Richter et al., 2009). The results showed that the causal model of the relationship between mothers' early memories of warmth and safeness, self-criticism, and the experience of parental burnout had a good fitness (CMIN / DF= 2.91, GFI = 0.97, CFI = 0.97, IFI = 0.97, NFI = 0.96, RMSEA = 0.067). Early memories of warmth and safeness had a direct and significant effect on self-criticism (β = -0.39, P < 0.001). Self-criticism also had a direct and significant effect on mothers' parental burnout (β = 0.75, P < 0.001). However, mothers' early memories of warmth and safeness did not have a direct effect on parental burnout. Moreover, the findings showed that mothers' early memories of warmth and safeness with the mediation of self-criticism had an indirect effect on parental burnout, and this model could explain nearly 54% of the variance of parental burnout (P < 0.001).

*Corresponding author
Email: sadeghzadeh@kazerunsfu.ac.ir

How to Cite:
Sadeghzadeh, M., Safari Shirazi, M., Abbasi, M., Bahrami, F. (2023). The Structural Relationship of Parental Burnout and Mothers' Early Memories of Warmth and Safeness: The Mediating Role of Self-criticism. *Journal of Family Psychology*. *10*(2), 138-153.

دو فصلنامه
روانشناسی خانواده. سال دهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲



مقاله پژوهشی

رابطه ساختاری فرسودگی والدینی با خاطرات اولیه مادر از گرمی و ایمنی: نقش واسطه‌گری خودانتقادی

مرضیه صادق زاده[1*]، مریم صفری شیرازی[2]، مسلم عباسی[3]، فرزانه بهرامی[4]

۱. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران.
۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
۳. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران.
٤. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون، کازرون، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

کلیدواژه‌ها:

خاطرات اولیه گرمی و ایمنی،

خودانتقادی،

فرسودگی والدینی

چکیده

والد بودن را می‌توان یکی از مهم‌ترین و درعین‌حال لذت‌بخش‌ترین تجربه‌های زندگی هر فردی قلمداد نمود، بااین‌وجود، برای برخی از پدران و مادران این نقش با چالش‌های فزاینده همراه بوده و می‌تواند به منبعی از تنش‌های روزمره یا مزمن و درنهایت به فرسودگی تبدیل گردد. ازهمین‌رو مطالعه حاضر باهدف بررسی نقش واسطه‌ای خودانتقادی در رابطه میان خاطرات اولیه مادران از گرمی و ایمنی با تجربه فرسودگی والدینی آن‌ها انجام گردیده است. این پژوهش، یک مطالعه توصیفی-مقطعی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بوده که نمونه‌ای از مادران شهر اصفهان (۳۱۹ نفر) را موردمطالعه قرار داده است. جامعه آماری پژوهش شامل مادرانی بود که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ دارای فرزند پیش‌دبستانی بوده‌اند و داده‌ها به‌صورت آنلاین با تکیه‌بر نمونه‌گیری دردسترس گردآوری شده است. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه فرسودگی والدینی (PBA)، پرسشنامه اشکال انتقادی/خود-تازی و اطمینان‌بخشی به خود (FCSSS) و مقیاس خاطرات اولیه از گرمی و ایمنی (EMWSS) بود. نتایج نشان داد که مدل علی رابطه بین خاطرات اولیه مادران از گرمی و ایمنی، خودانتقادی و تجربه فرسودگی والدینی، برازش مطلوبی دارد (CMIN/DF=۲/۹۱، GFI=۰/۹۷، CFI=۰/۹۷، IFI=۰/۹۷، NFI=۰/۹۶، RMSEA=۰/۰۶۷). خاطرات اولیه از گرمی و ایمنی اثر مستقیم و معنی‌داری بر خودانتقادی دارد (P<۰/۰۰۱، β=۰/۳۹) و خودانتقادی نیز دارای یک تأثیر مستقیم و معنی‌دار بر فرسودگی والدینی مادر است (P<۰/۰۰۱، β=۰/۷۵)، اما خاطرات اولیه مادران از گرمی و ایمنی دارای اثر مستقیم بر فرسودگی والدینی نیست. همچنین یافته‌ها نشان داد که خاطرات اولیه مادران از گرمی و ایمنی با واسطه خودانتقادی بر فرسودگی والدینی اثر غیرمستقیم داشته و این مدل می‌تواند نزدیک به ۵۴ درصد از واریانس فرسودگی والدینی را تبیین نماید (P<۰/۰۰۱). یافته‌های پژوهش حاضر لااقل در مورد والدین فرسوده‌ای که در دوران کودکی از یک محیط گرم و ایمن محروم بوده‌اند، درک تازه‌ای را پیرامون فرسودگی والدینی فراهم ساخته و بهبود فرایند خودانتقادی را به‌عنوان روزنه‌ای در کاهش تجربه فرسودگی والدینی آن‌ها پیشنهاد می‌نماید.

***نویسنده مسئول:**

پست الکترونیکی: sadeghzadeh@kazerunsfu.ac.ir

استناد به این مقاله:

صادق‌زاده، مرضیه، صفری شیرازی، مریم، عباسی، مسلم، بهرامی، فرزانه (۱۴۰۲). رابطه ساختاری فرسودگی والدینی با خاطرات اولیه مادر از گرمی و ایمنی: نقش واسطه‌گری خودانتقادی. *روانشناسی خانواده*، ۱۰ (۲)، ۱۳۸-۱۵۳.

مقدمه

والد بودن را می‌توان یکی از مهم‌ترین و درعین‌حال لذت‌بخش‌ترین تجربه‌های زندگی هر فردی قلمداد نمود. تا جایی که بسیاری از افراد بزرگسال بر این نکته تأکید می‌کنند که پدر و مادر بودن، هیجانات مثبت و پرمعنایی را به زندگی آن‌ها بخشیده است (Moreira & Canavarro, 2018). بااین‌وجود، پژوهش‌های حوزه والدینی طی چند دهه گذشته نشان می‌دهد که برای برخی از پدران و مادران این نقش والدی با چالش‌ها و دشواری‌های فزاینده همراه بوده و به منبعی از تنش‌ها و گرفتاری‌های روزمره یا مزمن تبدیل‌شده است (Sorkkila & Aunola, 2020). درواقع، این پژوهش‌ها بر این موضوع مهم صحه می‌گذارند که هر والدی، صرف‌نظر از پیشینه اجتماعی-فرهنگی و سلامت روانی خود، درجاتی از استرس والدگری را در مقطعی از زندگی تجربه خواهد کرد؛ این استرس تا زمانی که به‌صورت مزمن و مداوم بیرون نیامده و والد نیز از منابع موردنیاز برای مدیریت تنش‌های مرتبط با فرزندپروری برخوردار باشد، در دایره استرس والدگری باقی خواهد ماند؛ اما در غیر این صورت، خطر نوع خاصی از فرسودگی یعنی فرسودگی والدینی[1] را مهیا خواهد ساخت (Mikolajczak & Roskam, 2018).

فرسودگی والدینی، بنا به تعریف Mikolajczak & Roskam (2018)، نوعی سندرم منحصربه‌فرد و زمینه محور[2] است که درنتیجه مواجهه مداوم و مزمن با تنش والدگری بروز یافته و درواقع، به دلیل عدم توازن بلندمدت بین مقتضیات (یا عوامل خطر)[3] و منابع (یا عوامل محافظ)[4] روی می‌دهد. این مفهوم درواقع الهام گرفته از مدل اقتضا-منبع[5] در روان‌شناسی سازمانی است که فرسودگی شغلی[6] فرد را نتیجه هم‌زمانی مقتضیات زیاد با منابع کم دانسته و وضعیت مشابهی را برای هرگونه شرایطی که دارای مشخصه استرس مزمن است، قابل تائید می‌داند (Bakker & Demerouti, 2007). در زمینه والدگری، عوامل خطر یا مقتضیات به مسائلی (همچون هوش هیجانی کم، کمال‌گرایی زیاد، فقدان شبکه حمایت اجتماعی، مهارت‌های ضعیف فرزندپروری و وظایف بی‌شمار پدر و مادر) بازمی‌گردد که استرس فرزندپروری را به طرز قابل‌توجهی افزایش می‌دهد. در مقابل، منابع یا عوامل محافظ مسائلی (همچون هوش هیجانی بالا، شفقت به خود، زمان فراغت، مهارت‌های مناسب فرزندپروری، حمایت اجتماعی و مشارکت و توافق همسر در فرزندپروری) را در برمی‌گیرد که تنش و استرس فرزندپروری را به‌طور معنی‌داری کاهش می‌دهد (Sadeghzadeh & Abbasi, 2022).

در چنین حالتی از فرسودگی، والد ازنظر هیجانی و عاطفی از فرزند خود فاصله گرفته و در ظرفیت خود به‌عنوان والدی باکفایت تردید می‌کند. به‌علاوه پدر یا مادری که از فرسودگی والدینی رنج می‌برد نسبت به ادامه نقش والدگری احساس خستگی کرده، دچار حس ملال و بن‌بست شده و ضمن تأمل افراطی در نقش خود به‌عنوان یک والد، نوعی احساس پوچی و رسیدن به وضعیت «آخر دنیا» را تجربه می‌نماید (Mikolajczak et al., 2019). پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه از پیامدهای جدی فرسودگی والدینی برای پدر و مادر حکایت می‌کند که ضمن افزایش احتمال اعتیاد، اخلال در سلامتی، تعارض زوجین، فرار و افکار خودکشی، خطر خشونت و آزار آن‌ها نسبت به فرزندان را نیز گوشزد می‌نماید (Mikolajczak & Roskam, 2020; Mikolajczak et al, 2020; Mikolajczak et al, 2018).

البته پس از پژوهش Mikolajczak & Roskam (2018) -که شواهد اولیه‌ای را جهت حمایت از مفهوم فرسودگی والدینی مهیا نمود- مطالعات متعددی به شناسایی عوامل زمینه‌ساز این فرسودگی پرداخته و نقش متغیرهای گوناگونی همچون حجم گرفتاری‌های شغلی والدین، حمایت اجتماعی کم، رویدادهای منفی زندگی، تعداد فرزندان زیاد و سن بالای مادر (Lindström et al., 2011;

1 . Parental Burnout
2 . context-specific
3 . demands (risk factors)
4 . resources (protection factors)
5 . demands-resources model
6 . Job burnout

Sorkkila & Aunola, 2019) و همچنین متغیرهای مربوط به فرزند مانند خلق‌وخوی دشوار، مشکلات برونی‌سازی و اختلال در تنظیم هیجانی او (Chen et al., 2022; Vigouroux & Scola, 2018) را در ابتلای پدر و مادر به فرسودگی والدینی مورد تأکید قرار داده‌اند. علاوه بر این، با تکیه بر پژوهش‌هایی همچون Sorkkila and Aunola (2019) و Kawamoto et al. (2018) می‌توان به این نکته پی برد که ویژگی‌های شناختی و شخصیتی والدین نیز تأثیر انکارناپذیری بر ابتلا به این فرسودگی خواهد داشت. علاوه بر این متغیرها، ادبیات پژوهشی مرتبط با فرسودگی شغلی با تأکید بر خودانتقادی[1] به‌عنوان عامل مهم در برهم ریختن توازن میان عوامل خطر و عوامل محافظ و پیش‌بین مهم فرسودگی در محیط‌های حرفه‌ای (Finan et al., 2022; Fung et al., 2022) ، نقش این مفهوم در پیش‌بینی ابتلا به فرسودگی والدینی را نیز موردتوجه قرار می‌دهد. به باور Finan et al. (2022) خودانتقادی با ایجاد تردید و عدم اطمینان نسبت به منابع دردسترس و همین‌طور قابلیت فرد در استفاده از این منابع، وی را در برابر مقتضیات یک وضعیت پراسترس بی‌دفاع و آسیب‌پذیر خواهد نمود.

البته تعاریف اخیر خودانتقادی، مفهوم آن را به‌عنوان نهادی واحد با کارکردی یگانه مورد پرسش قرار داده است. چنان‌که به باور Gilbert et al. (2004) فرایند خودانتقادی از یک سابقه تکاملی خودانتقادی برخوردار بوده و در افراد مختلف با دو وجه کاملاً متفاوت قابل‌مشاهده است؛ وجه اول، دارای صورتی مثبت بوده و یک هدف کارکردی اصلاح خویشتن[2] یا همان بهسازی خود، تلاش بیشتر، پرهیز از اشتباه و حفظ استانداردهای ویژه را تعقیب می‌کند. وجه دوم اما از صورتی منفی برخوردار بوده که مطابق درک معمول از خودانتقادی با آزار و اذیت یا حمله به خود[3] به دلیل انزجار و نفرت از خود نمود یافته و تمایل فرد به نابودی بخش‌هایی از خویشتن که «بد»، «ضعیف» و «آلوده‌کننده» تلقی می‌شوند را در برمی‌گیرد. بنا به عقیده Gilbert et al. (2004)، دو شکل مشخص انتقاد از خود، یعنی خویشتن ناکافی[4] (ناکافی و حقیر دانستن خود) و خویشتن منفور[5] (احساس انزجار و نفرت از خود)، در وجه دوم جای گرفته و درواقع، جایگزین وجه مثبت خودانتقادی می‌شوند این وجه سودمند خودانتقادی، یعنی خود اطمینان یافته[6] (حمایت و شفقت نسبت به خود)، بر خاطراتی تکیه دارد که فرد از ویژگی‌های مثبت خود در ذهن دارد؛ بنابراین به باور Gilbert et al. (2004)، افراد برای اصلاح و بهبود خود ممکن است هم به انتقاد از خویشتن پرداخته و هم ممکن است به دلیل تنفر از خود به خودانتقادی روی آورده باشند. از همین رو معتقدند که انواع مختلف انتقاد از خود نقش‌های متفاوتی را در رابطه با اضطراب، افسردگی و سایر آسیب‌های روانی ایفا می‌کنند.

هرچند پژوهش‌هایی که تاکنون به تأثیر خودانتقادی بر فرزندپروری و والدگری پرداخته‌اند، عمدتاً تأثیر وجه منفی آن را بر ایفای نقش والدگری موردتوجه قرار داده‌اند. به کلام بهتر، پیشینه پژوهشی مورداشاره، به‌وضوح تأثیر مخرب وجوه منفی خودانتقادی را در رفتارهای فرزندپروری پدر و مادرها منعکس می‌نماید. به‌طور مثال نتایج برخی از این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنانی با سطوح بالاتر خودانتقادی با احتمال بیشتری به افسردگی پس از زایمان مبتلا شده و دشواری‌های بیشتری را در فرزندپروری تجربه می‌نمایند (Puyané et al., 2022; Vliegen et al., 2010). نتایج پژوهشی Beebe et al. (2007) نیز از تأثیر خودانتقادی مادر بر نحوه ارتباط او با نوزاد خبر می‌دهد. بدین ترتیب که مادر خود انتقادگر هماهنگی کمتری در نگاه و صورت خود با نگاه و صدای نوزاد نشان داده و به‌طورکلی، مشکلات بیشتری را در هماهنگی با سیگنال‌های توجهی و عاطفی فرزند تجربه خواهد کرد. به‌علاوه، نتایج پژوهش Casalin et al. (2014) گواه آن است که خودانتقادی والد، عاطفه منفی کودک را به‌واسطه سطح بالایی از استرس والدینی

1 . self-criticism
2 . self-correction
3 . self-persecution or attacking
4 . inadequate self
5 . hated self
6 . reassured self

پیش‌بینی خواهد نمود. این پژوهش‌گران به‌وضوح بر این نکته تأکید می‌کنند که خودانتقادی والدین به‌عنوان زمینه‌ای مساعد برای تجربه استرس والدینی — که خود عاملی در پرورش فرسودگی والدینی است- به شمار می‌آید.

بنابراین پیشینه پژوهشی موجود می‌تواند از گمانه‌زنی پیرامون تأثیر خودانتقادی والدین بر میزان فرسودگی والدینی آن‌ها حمایت کند. هرچند خودانتقادی - به‌عنوان یکی از عوامل خطرساز در زمینه فرزندپروری-به وضوح تحت تأثیر پیشینه‌ای است که پدر یا مادر خود در بافت خانوادگی دوران کودکی خویش تجربه نموده‌اند. چنان‌که مطابق نظریه Blatt and Homann (1992)، خودانتقادی — در وجه منفی خود- در مقاطع مختلف رشد و درنتیجه اختلال در رابطه با والدین ایجاد می‌شود. همچنین آنان بر پیوند غیرقابل‌انکار میان آسیب‌پذیری شخصیتی والدین و دلبستگی ناایمن فرزندان خود انتقادگر آن‌ها تأکید نموده و بخش قابل‌توجهی از این خودانتقادی منفی را متوجه تجربه روابط ناکارآمد اولیه افراد خود انتقادگر با پدر و مادرهای خود می‌دانند. به عقیده Blatt and Homann (1992) در چنین روابط ناکارآمدی، فرد همواره با اضطراب ناشی از نبود تأیید والدین و فقدان گرمای عاطفی روبرو بوده و درنتیجه نگاه مردد، خالی از اطمینان و خشنی را نسبت به خود درون‌سازی کرده است. Thompson and Zuroff (1999) نیز بر این نکته تأکید می‌نمایند که سردی عاطفی مادر از طریق شکل‌دهی به یک دلبستگی ناایمن، دختران نوجوان را به افرادی خودمنتقد تبدیل می‌سازد. جالب اینکه نتایج مطالعه Özdemir and Sağkal (2019) گواه آن است که بیشتر افراد خودمنتقد ضمن بازخوانی خاطرات دوران زندگی، از پدر و مادر خود به‌عنوان والدینی سرد یاد می‌کنند. در ایران نیز پژوهش Kayseri (2021) نشان می‌دهد که دانشجویان خودمنتقد بیشتر از سایر همسالان خویش از سبک فرزندپروری محدود و طرد کننده والدین خویش سخن می‌گویند. البته رابطه میان وجه منفی خودانتقادی با تجربه فرد از والدینی که یا بسیار کنترل‌کننده هستند یا از گرمای عاطفی چندانی برخوردار نیستند، نه‌تنها در نتایج پژوهشی این حوزه به‌صورت مکرر مورد تائید قرارگرفته، بلکه خودانتقادی را به‌عنوان واسطه مهم در رابطه میان بدرفتاری‌های دوران کودکی با میزان شادکامی، اضطراب و افسردگی و حتی روابط عاطفی دوره بزرگسالی به رسمیت شناخته است (Campos et al., 2010; Cheng & Furnham, 2004; Lassri & Shahar, 2012; Özdemir & Sağkal, 2019; Pinto-Gouveia et al., 2013). این موضوع در کنار پژوهش‌هایی که تأثیر وجه منفی خودانتقادی بر روابط بین‌فردی را موردتوجه قرار داده‌اند (Barcaccia et al., 2020; Luoma & Chwyl, 2020; Thompson & Zuroff, 2004)می‌تواند این گمانه‌زنی را قوت بخشد که خودانتقادی در زمان ایفای نقش والدگری نیز به‌عنوان یک متغیر واسطه عمل نموده و خاطرات فرد از والدین خود را به تجربه وی در ایفای نقش پدری یا مادری متصل نماید.

هرچند بایستی به خاطر داشت که حوزه پژوهشی مرتبط با فرسودگی والدینی، به‌عنوان یک حوزه بسیار جدید، هنوز تأثیر مستقیم خاطرات مربوط به بافت خانوادگی دوران کودکی بر فرسودگی والد را به‌طورجدی موردتوجه قرار نداده است. بااین‌همه امکان چنین رابطه‌ای با تکیه‌بر نتایج پژوهشی مرتبط با تأثیر این خاطرات بر انواع دیگر فرسودگی همچون فرسودگی در ازدواج یا فرسودگی شغلی (Karimi et al., 2015; Pines, 2004; Reizer, 2015; Ronen & Mikulincer, 2009) چندان دور از واقعیت به نظر نخواهد رسید. به‌هرحال، با در کنار هم قرار دادن مطالب گفته‌شده، می‌توان از یک مدل مفهومی سخن گفت که طی آن خاطرات فرد بزرگسال از گرمی و ایمنی والدین خود، باواسطه خودانتقادی بر تجربه فرسودگی والدینی او درزمان ایفای همین نقش اثر بگذارد. البته بررسی این مدل مفهومی از چندین منظر سودمند خواهد بود. نخست، اینکه مدل مذکور در صورت دریافت تائید از سوی داده‌های پژوهشی می‌تواند الهام‌بخش متخصصینی باشد که در محیط‌های درمانی یا آموزشی به دنبال کاهش درد و رنج والدین در اثر تجربه فرسودگی والدینی هستند. بدین ترتیب، لااقل در خصوص والدین فرسوده‌ای که در دوران کودکی و نوجوانی خود از تعامل گرم و ایمنی با پدر و مادر خویش بهره‌مند نبوده‌اند، می‌توان به نقطه گشایشی در تغییر فرایند خودانتقادی درونی امید بست. به‌ویژه در نظر گرفتن جنبه مثبت خودانتقادی که در پژوهش‌های حوزه والدگری چندان موردتوجه قرار نگرفته، می‌تواند به فتح بابی در بررسی تأثیر جنبه‌های مختلف این فرایند بر تجربه‌های والدین و نحوه تعامل آن‌ها با فرزندان خویش کمک نماید. به‌علاوه بایستی

به تعداد اندک پژوهش‌هایی اشاره نمود که تاکنون به‌منظور بررسی ابعاد مختلف فرسودگی والدین ایرانی انجام‌شده است. خاصه آنکه در همین اندک پژوهش‌ها (Khanjaani et al.., 2021; Mousavi, 2020; Mousavi et al., 2020; shomaliahmadabadi et al., 2021) نیز هنوز به مطالعه مکانیسم‌های تأثیر در قالب مدل‌های مفهومی و نقش متغیرهای واسطه چندان توجهی نشده است. نظر به همین خلأ پژوهشی، هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌گری خودانتقادی در رابطه میان خاطرات مادران ایرانی از گرمی و ایمنی والدین خود باتجربه فرسودگی آن‌ها در زمان ایفای نقش مادری است. گفتنی است که پژوهش Roskam and Mikolajczak (2020) از خطر ابتلای بیشتر مادران به فرسودگی والدینی خبر می‌دهد.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

طرح پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی بوده و بر اساس مدل‌سازی معادلات ساختاری به تبیین روابط میان متغیرها پرداخته است. جامعه آماری شامل تمامی مادران شهر اصفهان بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ دارای فرزند پیش‌دبستانی بوده‌اند. هرچند به‌واسطه محدودیت‌های ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹، فرایند جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت مجازی و دردسترس انجام گرفت. بدین ترتیب که لینک مربوط به پرسشنامه‌های این پژوهش با همکاری سه مرکز پیش‌دبستانی شهر اصفهان در گروه‌های مجازی تشکیل‌شده جهت مادران قرارگرفته و بدین‌وسیله از آن‌ها دعوت گردید تا با پاسخ گفتن به سؤالات موجود در لینک در مطالعه حاضر شرکت نمایند. سپس لینک پرسش‌نامه با توضیحاتی در خصوص هدف از پژوهش، محرمانه ماندن اطلاعات و گزارش جمعی یافته‌ها در اختیار افراد واجد شرایط قرار داده شد. درنهایت و پس از یک دوره زمانی بیست‌روزه، تمامی ۳۱۹ مادری که در این پژوهش شرکت کرده و مشمول ملاک‌های خروج نیز نبودند، به‌عنوان نمونه پژوهش در نظر گرفته شدند. مطابق این ملاک‌های خروج، مادران مطلقه یا بیوه و نیز مادرانی که فرزند دارای معلولیت جسمانی یا مشکل روانی-ذهنی خاص داشتند، از این پژوهش کنار گذاشته شدند. داده‌های خام ۳۱۹ پرسشنامه با استفاده از ابزارهای آمار توصیفی چون میانگین، انحراف معیار و واریانس و آزمون همبستگی پیرسون با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Amos نسخه ۲۲ مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. از بین مادران حاضر در پژوهش حاضر، ۵۸ درصد در بیرون از منزل شاغل بوده و ۳۰ درصد دارای مدرک تحصیلی دیپلم،۱۴ درصد دارای مدرک کاردانی، ۴۳ درصد کارشناسی، ۱۱ درصد کارشناسی ارشد بوده و ۲ درصد نیز وضعیت تحصیلی خود را دکتری اعلام نموده‌اند. به‌علاوه، همگی این مادران در زمان اجرای پژوهش فقط دارای یک فرزند بودند که در مورد ۵۴ درصد نمونه دختر و در مورد ۴۶ درصد نمونه پسر بوده است. قابل‌ذکر است که میانگین و انحراف استاندارد سنی مادران حاضر در این نمونه پژوهشی به ترتیب ۳۳/۰۲ و ۴/۰۲ و میانگین و انحراف استاندارد سنی فرزند آن‌ها به ترتیب ۵/۵۶ و ۱/۶۱ برآورد شده است. گفتنی است که حجم نمونه پژوهش حاضر حداقل مقدار موردنظر Kline (2015) برای آزمون معادلات ساختاری (حداقل ۲۰۰ نفر یاد ده تا بیست برابر پارامترهای موجود در مدل) را برآورده می‌سازد.

ابزارهای سنجش

پرسشنامه فرسودگی والدینی[1]: این پرسشنامه توسط Roskam et al. (2018) برای اندازه‌گیری میزان فرسودگی در اثر مسئولیت و نقش والدگری طراحی‌شده است. فرم نهایی این ابزار دارای ۲۳ گویه است که همگی بر روی لیکرت هفت نقطه‌ای از ۰ (معادل هرگز) تا ۶ (معادل هرروز) نمره‌گذاری می‌شوند. سازندگان ابزار جهت بررسی روایی پرسشنامه از دو شیوه روایی سازه و روایی همگرا استفاده نموده‌اند. نتایج تحلیل عاملی انجام‌گرفته در پژوهش آن‌ها به شناسایی یک ساختار چهار عاملی شامل خستگی مفرط

1 . Parental Burnout Assessment (PBA)

از نقش والدی[1]، تضاد با خویشتن والدینی پیشین[2]، حس ملال و بن‌بست در نقش والدی[3] و فاصله عاطفی با فرزندان[4] منجر گردیده است. Roskam et al. (2018) جهت بررسی روایی همگرای این پرسشنامه نیز از همبستگی نمره ابزار با سیاهه فرسودگی والدینی و جهت بررسی همسانی درونی از محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شده و مقادیر آن برای چهار خرده مقیاس خستگی از نقش والدی، تضاد با خویشتن والدینی پیشین، حس ملال و بن‌بست در نقش والدینی و فاصله عاطفی با فرزندان به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۹۴، ۰/۹۱ و ۰/۷۷ گزارش‌شده است (Rosekam et al., 2018). نتایج پژوهش Sadeghzadeh and Abbasi (2022) با به کار گرفتن تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی بر روی دو نمونه مجزا از مادران ایرانی دارای کودک پیش‌دبستانی، وجود یک ساختار چهار عاملی را در نسخه فارسی پرسشنامه فرسودگی والدینی نیز مورد تائید قرار داده است. به‌علاوه در مطالعه مذکور، ضرایب آلفای کرونباخ برای چهار خرده مقیاس خستگی مفرط از نقش والدی، حس ملال و بن‌بست در نقش والدی، تضاد با خویشتن والدینی پیشین و فاصله عاطفی با فرزندان و همین‌طور کل مقیاس به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۹۰، ۰/۹۱، ۰/۸۳ و ۰/۹۶ گزارش‌شده است. مقادیر آلفا در پژوهش حاضر نیز جهت چهار خرده مقیاس بالا به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۹۰، ۰/۹۲ و ۰/۹۲ برآورد شده است.

پرسشنامه اشکال انتقادی/خود-تازی و اطمینان‌بخشی به خود[5]: که در پژوهش حاضر جهت اندازه‌گیری ابعاد مختلف خودانتقادی در مادران مورداستفاده قرارگرفته است. این ابزار توسط Gilbert et al. (2004) طراحی‌شده و دارای ۲۲ گویه است که همگی بر روی لیکرت پنج‌درجه‌ای از ۰ («اصلاً شبیه من نیست») تا ۴ («خیلی شبیه من است») نمره‌گذاری می‌شوند. این پرسشنامه دارای یک ساختار سه عاملی است و سه شکل متفاوت تجربه خویشتن یعنی اطمینان‌بخشی به خود، ناکافی دانستن خود و متنفر بودن از خود را موردانداره‌گیری قرار می‌دهد. سازندگان ابزار جهت بررسی روایی این پرسشنامه از تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی و ضرایب همبستگی با مقیاس سطوح خودانتقادی[6] و مقیاس افسردگی مرکز مطالعات همه‌گیرشناسی[7] استفاده نموده‌اند. به‌علاوه، همسانی درونی این پرسشنامه با محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ موردبررسی قرارگرفته و برای سه خرده مقیاس اطمینان‌بخشی به خود، ناکافی دانستن خود و متنفر بودن از خود به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۶ و ۰/۹۰ گزارش‌شده است. نسخه فارسی این پرسشنامه توسط Saadati et al. (2019) در نمونه معلمان ایرانی موردبررسی و تنها وجود یک ساختار دوعاملی در آن شناسایی‌شده است. این ساختار دوعاملی در پژوهش حاضر بر روی نمونه مادران دارای کودک پیش‌دبستانی نیز مورد تائید قرارگرفته و شاخص‌های برازش مطلوبی (CMIN/DF=۱/۸۳، GFI=۰/۹۱، CFI=۰/۹۳، IFI=۰/۹۳، NFI=۰/۹۰، RMSEA=۰/۰۵) را به دست داده است. در پژوهش حاضر، همچنین ضرایب آلفای کرونباخ برای دو خرده مقیاس نسخه فارسی این پرسشنامه –با عناوین اطمینان‌بخشی به خود و ناکافی و حقیر شمردن خود– به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۰ محاسبه‌شده است. به‌علاوه، قابل‌ذکر است که در پژوهش حاضر از معکوس گویه‌های مؤلفه اول در قالب عدم اطمینان بخشی به خود استفاده‌شده است.

مقیاس خاطرات اولیه از گرمی و ایمنی[8]: این پرسشنامه توسط Richter et al. (2009) به‌منظور سنجش خاطراتی بازمی‌گردد که یک فرد بزرگسال از احساسات، عواطف و تجربه‌های مثبت دوران کودکی خویش به یاد می‌آورد. به کلام دقیق‌تر، تمامی ۲۱ گویه این ابزار بر خاطرات عاطفی شخصی فرد بزرگسال متمرکز است و آنچه وی از رفتارهای والدین خویش به یاد می‌آورد را در

---

1 . **Exhaustion in one's parental role**
2 . **Contrast with previous parental self**
3 . **Feelings of being fed up with one's parental role**
4 . **Emotional distancing from one's children**
5 . Forms of Criticism/Self-Attacking and Self-Reassuring Scale (FCSSS)
6 . Levels of self-criticism scale (LOSC)
7 . Centre for epidemiological studies depression scale (CES-D)
8 . Early Memories of Warmth and Safeness Scale (EMWSS)

برنمی‌گیرد. گویه‌های این مقیاس بر روی لیکرت پنج‌درجه‌ای از ۰ (معادل «نه، هرگز») تا ۴ (معادل «بله، بیشتر اوقات») نمره‌گذاری می‌شوند. تحلیل عاملی انجام‌گرفته در پژوهش سازندگان ابزار، وجود یک ساختار تک عاملی را نشان می‌دهد که ۶۱ درصد واریانس موجود در گویه‌ها را تبیین می‌نماید. جهت بررسی روایی همگرا و واگرای این پرسشنامه نیز از همبستگی نمره ابزار با پرسشنامه‌های متعددی ازجمله مقیاس افسردگی، اضطراب و تنش روانی[1] استفاده‌شده است. به‌علاوه ضریب آلفای کرونباخ مقیاس خاطرات اولیه از گرمی و ایمنی را ۰/۹۷ گزارش نموده‌اند (Richter et al., 2009). در پژوهش حاضر جهت ترجمه و اعتبار یابی نسخه فارسی این مقیاس از الگوی مورد تائید WHO[2] (۲۰۰۶) تبعیت شده است. ازاین‌رو، طی گام نخست، نسخه اصلی پرسشنامه توسط دو متخصص روانشناسی به فارسی ترجمه گردید؛ در گام دوم، نسخه اولیه فارسی توسط یک مترجم مسلط به زبان مبدأ و مقصد، مجدداً به زبان انگلیسی بازگردانده شد و سپس توسط یکی از متخصصین آموزش زبان انگلیسی با نسخه اصلی ابزار مقایسه گردید. در مرحله سوم نیز به‌منظور بررسی روشنی و دقت عبارات ترجمه‌شده، هر دو نسخه فارسی و انگلیسی مورد بازبینی و اصلاح دو نفر از اساتید روانشناسی دانشگاه قرار گرفت. در مرحله چهارم نیز فرایند بررسی روایی و پایایی مقیاس با تکیه‌بر داده‌های پژوهش حاضر در دو نرم‌افزار SPSS-۲۲ و AMOS-۲۲ انجام‌گرفته است. بدین ترتیب که جهت بررسی روایی نسخه فارسی این ابزار از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده‌شده است. نتایج وجود یک ساختار تک عاملی را مورد تائید قرار می‌دهد که ۵۸ درصد واریانس موجود در گویه‌ها را تبیین نموده است. مقادیر مربوط به شاخص‌های برازش نیز برازش مطلوب این ساختار تک عاملی را نشان می‌دهد (CMIN/DF=۱/۸۱، GFI=۰/۹۳، CFI=۰/۹۷، IFI=۰/۹۸، NFI=۰/۹۵، RMSEA=۰/۰۵). به‌علاوه در پژوهش حاضر مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس خاطرات اولیه از گرمی و ایمنی معادل ۰/۹۶ برآورد شده است.

یافته‌ها

مقادیر مربوط به شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش برای مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر در جدول ۱ گزارش‌شده است. البته اشاره به این موضوع ضروری می‌نماید که در فرایند تحلیل اولیه اطلاعات، برقراری مفروضه‌های معمول آماری موردبررسی قرارگرفته است. بدین ترتیب که جهت بررسی وضعیت نرمال تک‌متغیری به مقادیر دو شاخص کجی و کشیدگی و همخوانی آن‌ها با بازه موردنظر Kline (2015) (قدر مطلق کجی کمتر مساوی ۳ و قدر مطلق کشیدگی کمتر مساوی ۱۰) رجوع شده است. مقادیر مربوط به این دو شاخص در جدول ۱ گویای نبود تخطی جدی از نرمال تک‌متغیری مطابق دیدگاه فوق است. جهت بررسی وضعیت نرمال چندمتغیری نیز شاخص کشیدگی چندمتغیری در نرم‌افزار ایموس مورد استناد قرارگرفته که مطابق نظر Bentler (2010) بایستی کمتر مساوی ۵ باشد و در مورد داده‌های پژوهش حاضر معادل ۵/۰۹ تخمین زده‌شده که به مقدار موردنظر بسیار نزدیک می‌باشد. گفتنی است که جهت بررسی داده‌های پرت چندمتغیری نیز به محاسبه فاصله مهالانوبیس رجوع شده است. مقادیر مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و دامنه برای هفت متغیر خاطرات اولیه از گرمی و ایمنی، ناکافی و حقیر شمردن خود، اطمینان‌بخشی به خود، فرسودگی در نقش والدی، حس ملال و بن‌بست در نقش والدی، تضاد با خویشتن والدینی پیشین و فاصله عاطفی با فرزندان در جدول ۱ گزارش‌شده است.

جدول ۱ همچنین گویای روابط معنی‌دار میان تمامی این متغیرها می‌باشد. چنان‌که در این جدول نیز مشاهده می‌گردد خاطرات اولیه مادر از گرمی و ایمنی دارای همبستگی منفی و معنی‌دار با مؤلفه‌های چهارگانه فرسودگی والدینی (فرسودگی در نقش والدی، حس ملال و بن‌بست در نقش والدی، تضاد با خویشتن والدینی پیشین و فاصله عاطفی با فرزندان) و یکی از دو مؤلفه خودانتقادی

1. Depression Anxiety and Stress Scale (DASS)
2. World Health Organization

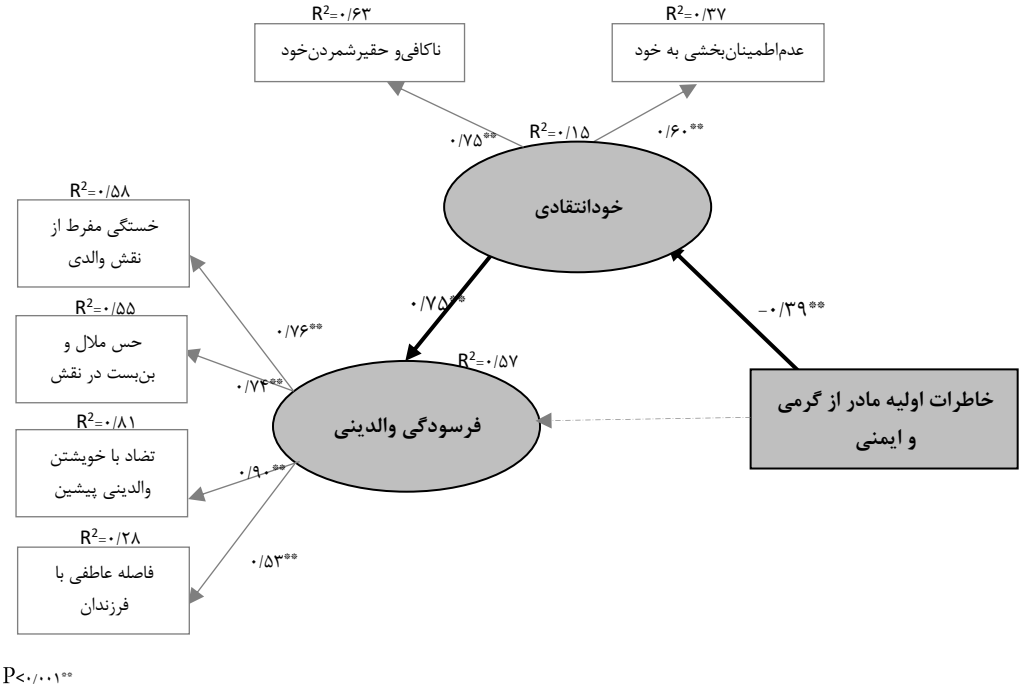
(یعنی ناکافی و حقیر شمردن خود) بوده، اما با مؤلفه دیگر خودانتقادی یعنی اطمینان‌بخشی به خود به‌صورت مثبت و معنی‌داری همبسته است. به‌علاوه، چنان‌که جدول ۱ نیز نشان می‌دهد همبستگی میان ناکافی و حقیر شمردن خود نیز با تمامی مؤلفه‌های فرسودگی والدینی به‌صورت مثبت و معنی‌دار بوده است؛ درحالی‌که اطمینان‌بخشی به خود و مؤلفه‌های فرسودگی والدینی به‌صورت منفی و معنی‌داری همبسته است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)
۱. خاطرات اولیه از گرمی و ایمنی	۱						
۲. عدم اطمینان بخشی به خود	-۰/۴۱**	۱					
۳. ناکافی و حقیر شمردن خود	-۰/۲۶**	۰/۴۷**	۱				
۴. خستگی مفرط از نقش والدی	-۰/۱۹**	۰/۳۰**	۰/۵۱**	۱			
۵. حس ملال و بن‌بست در نقش والدی	-۰/۲۰**	۰/۳۳**	۰/۴۰**	۰/۶۹**	۱		
۶. تضاد با خویشتن والدینی پیشین	-۰/۲۱**	۰/۳۶**	۰/۵۷**	۰/۶۸**	۰/۶۷**	۱	
۷. فاصله عاطفی با فرزندان	-۰/۱۶**	۰/۲۹**	۰/۳۰**	۰/۳۹**	۰/۴۲**	۰/۴۸**	۱
میانگین	۵۷/۳۴	۱۱/۸۵	۲۲/۹۵	۱۲/۰۳	۲/۹۱	۵/۸۳	۲/۲۳
انحراف استاندارد	۱۸/۱۳	۴/۸۹	۹/۷۸	۱۲/۷۴	۵/۶۹	۷/۵۴	۳/۱۹
دامنه	۴-۸۴	۲-۲۹	۰-۵۲	۰-۵۴	۰-۳۰	۰-۳۰	۰-۱۲
کجی	-۰/۶۷	۰/۶۷	-۰/۲۹	۱/۳۶	۲/۲۳	۱/۶۳	۱/۶۲
کشیدگی	-۰/۱۷	۰/۱۳	-۰/۶۳	۱/۲۴	۲/۲۶	۱/۳۴	۱/۵۶

P<۰/۰۱ **

پس از اطمینان از برقراری مفروضه‌های آماری، مدل پیشنهادشده پژوهش با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری موردبررسی قرار گرفت. در این مدل متغیر خاطرات اولیه از گرمی و ایمنی به‌عنوان متغیر برون‌زاد، متغیر مکنون فرسودگی والدینی به‌عنوان متغیر درون‌زاد و متغیر مکنون خودانتقادی به‌عنوان متغیر واسطه مدل در نظر گرفته‌شده‌اند. مدل نهایی پژوهش در شکل ۲ ترسیم‌شده است. چنان‌که در این شکل نیز مشاهده می‌گردد مؤلفه ناکافی و حقیر شمردن خود در مقایسه با مؤلفه عدم اطمینان بخشی به خود، وزن بیشتری را در تعریف متغیر مکنون خودانتقادی داشته است (P<۰/۰۰۱، β=۰/۶۳). از بین چهار شاخص فرسودگی والدینی، «تضاد با خویشتن والدینی پیشین» بیشترین وزن را در تعریف این متغیر مکنون داشته است (P<۰/۰۰۱، β=۰/۹۰). به‌علاوه، چنان‌که در شکل ۱ نیز مشاهده می‌گردد مسیر مستقیم خاطرات اولیه از گرمی و ایمنی به فرسودگی والدینی معنی‌دار نبوده و از مدل نهایی پژوهش حذف شده است. گفتنی است که در این مدل نزدیک به ۵۴ درصد واریانس متغیر درون‌زاد فرسودگی والدین مورد تبیین قرارگرفته است.



شکل ۱: مدل نهایی پژوهش حاضر

شاخص‌های برازش مدل نیز در جدول ۲ گزارش‌شده است. چنان‌که در این جدول نیز مشاهده می‌گردد مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش[۱]، برازش تطبیقی[۲]، برازش افزایشی[۳] و برازش هنجارشده[۴]، نسبت مجذور خی بر درجه آزادی[۵]، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب[۶] و سطح احتمال برای تناسب نزدیک[۷] مطابق نظر Hooper et al. (2008) در بازه قابل‌قبول قرار می‌گیرند. ازاین‌رو می‌توان گفت که مدل نهایی پژوهش حاضر از برازش مطلوبی برخوردار است.

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل نهایی پژوهش حاضر

شاخص	CMIN/DF	CFI	IFI	NFI	GFI	AGFI	RMSEA	PCLOSE
مقدار	۲/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۹۶	۰/۹۲	۰/۰۶۴	۰/۰۴۹۹
مقدار قابل‌قبول	<۳	>۰/۹۵	>۰/۹۵	>۰/۹۵	>۰/۹۵	>۰/۹۵	<۰/۰۷	≥ ۰/۰۵

مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم موجود در مدل نهایی پژوهش نیز در جدول ۳ گزارش‌شده است. چنان‌که در این جدول نیز مشاهده می‌گردد خاطرات اولیه از گرمی و ایمنی اثر مستقیم و معنی‌داری بر خودانتقادی وی دارد (β=-۰/۳۹ ،P<۰/۰۰۱) و خودانتقادی نیز دارای یک تأثیر مستقیم و معنی‌دار بر فرسودگی والدینی مادر است (β=۰/۷۵ ،P<۰/۰۰۱). جهت بررسی نقش

1 . Goodness-of- Fit Index (GFI)
2 . Comparative Fit Index (CFI)
3 . Incremental Fit Index (IFI)
4 . Normed Fit Index (NFI)
5 . Normed Chi-Square (CMIN/DF)
6 . Root Mean Squared Error of Approximation (RMSEA)
7 . p of Close Fit (PCLOSE)

واسطه‌گری متغیر خودانتقادی نیز از آزمون بوت استراپ (با فاصله اطمینان ۹۵ درصدی و نمونه ۲۰۰) استفاده‌شده است. نتایج این آزمون نیز در جدول ۳ گزارش‌شده است. چنان‌که در این جدول نیز مشاهده می‌شود مسیر غیرمستقیمی که از خاطرات اولیه مادر به فرسودگی والدینی رسم شده در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است.

جدول ۳: نتایج مربوط به آزمون معنی‌داری اثرهای مستقیم و نتیجه آزمون بوت استراپ برای بررسیتأثیر غیرمستقیم خاطرات گرمی و ایمنی مادر بر فرسودگی والدینی او

مسیر مستقیم		ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد	مقدار t	سطح معنی‌داری
	از خاطرات اولیه مادر از گرمی و ایمنی به خودانتقادی	-۰/۳۹	-۰/۱۸	-۶/۱۹	۰/۰۰۱
	از خودانتقادی به فرسودگی والدینی	۰/۷۵	۰/۸۵	۸/۶۵	۰/۰۰۱
مسیر غیرمستقیم		**ضریب استاندارد**	**ضریب غیراستاندارد**	**کران پایین**	**کران بالا**	**سطح معنی‌داری**
	از خاطرات اولیه گرمی و ایمنی بر فرسودگی والدینی	-۰/۲۹	-۰/۲۱	-۰/۱۹	-۰/۳۷	۰/۰۱

بحث

هدف از این مطالعه بررسی نقش واسطه‌ای خودانتقادی در رابطه میان خاطرات اولیه مادر از گرمی و ایمنی و تجربه فرسودگی او در زمان ایفای نقش مادری بوده است. رجوع به یافته‌های پژوهشی در درجه نخست تأثیر مستقیم خاطرات مادر از گرمی و ایمنی بر خودانتقادی او را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ بنابراین، هم‌سو با پیشینه پژوهشی موجود همچون مطالعات Özdemir and Sağkal (2019)، Pinto-Gouveia et al. (2013)، Lassri and Shahar (2012) و Campos et al. (2013) می‌توان انتظار داشت که بیشترین میزان خودانتقادی در مادرانی دیده شود که خاطرات بیشتری از نبود گرمی و ایمنی در دوران کودکی خویش دارند. این یافته به‌ویژه مورد تائید صاحب‌نظرانی همچون Blatt and Homann (1992)، Gilbert et al. (2004) یا Pinto-Gouveia et al. (2013) است که رابطه میان دوران کودکی و خودانتقادی یک فرد بزرگسال را با رجوع به موضوع دلبستگی توضیح می‌دهند. از این منظر می‌توان گفت که خاطرات مربوط به نبود گرمی و ایمنی در دوران کودکی، همواره اضطراب ناشی از نبود تأیید والدین و فقدان گرمای عاطفی آن‌ها را برای فرد بزرگسال زنده نگه‌داشته و درنتیجه، نگاه مردد، خالی از اطمینان و خشن او نسبت به خود را تقویت خواهد کرد. درواقع، خاطراتی که یک فرد بزرگسال از غفلت، انتقاد یا سردی عاطفی والدین خود به خاطر می‌آورد، هم از یک‌سو فرایند بی‌ارزش سازی خود را تداوم بخشیده و هم از سوی دیگر، نقاط مرجع اصلی در هویت فردی را خدشه‌دار ساخته و الگوهای کارکرد درونی را تخریب خواهد کرد.

البته یافته‌های پژوهش حاضر از تأثیر مستقیم و معنی‌دار چنین خاطراتی بر تجربه فرسودگی والدینی حمایت نمی‌کند. هرچند بایستی اذعان نمود که تأثیر مستقیم چنین خاطراتی تاکنون در هیچ‌یک از پژوهش‌های مرتبط با حوزه فرسودگی والدینی نیز گزارش نشده است. ازاین‌رو گرچه نمی‌توان یافته اخیر را ناهم‌سو با نتایج پژوهشی حوزه فرسودگی والدینی دانست، اما به هر ترتیب بایستی آن را با پیشینه پژوهشی موجود پیرامون افسردگی در ازدواج یا افسردگی شغلی که در مطالعات Karimi et al. (2015)، Pines (2004)، Reizer (2015) یا Ronen and Mikulincer (2009) منتشر گردیده، ناهم‌سو دانست. به‌هرحال، مدل نهایی پژوهش حاضر از وجود تأثیر غیرمستقیم چنین خاطراتی حمایت می‌نماید.

به‌عبارت‌دیگر، مدل نهایی پژوهش حاضر به‌وضوح نشان می‌دهد که گرچه خاطرات اولیه مادر از نبود ایمنی و گرمی به‌طور مستقیم بر فرسودگی والدینی او تأثیر نگذاشته، اما همین خاطرات باواسطه افزایش خودانتقادی، میزان فرسودگی او در زمان ایفای نقش مادری را متأثر ساخته است. این یافته می‌تواند درک بهتری را نسبت به تجربه فرسودگی والدینی مادران شرکت‌کننده در

پژوهش حاضر فراهم سازد. چراکه نشان می‌دهد مکانیسم عمده‌ای برای تأثیر محیط خانوادگی دوران کودکی مادر بر فرسودگی والدینی او وجود دارد که همان فرایند خودانتقادی درونی اوست. به کلام بهتر، مدل نهایی پژوهش حاضر با تائید نقش واسطه‌گری کامل خودانتقادی در رابطه میان خاطرات اولیه مادر و فرسودگی والدینی او، از یک مکانیسم مهم در مسیر تجربه این نوع خاص از فرسودگی پرده برمی‌دارد. بدین ترتیب می‌توان در تجربه فرسودگی والدینی مادران منتظر حجم وسیعی از خودانتقادی منفی بود که لااقل بخشی از آن به خاطرات دوران کودکی آن‌ها مربوط است.

تبیین این یافته با رجوع به آرای صاحب‌نظرانی همچون Blatt and Homann (1992)، Gilbert et al. (2004) یا Pinto-Gouveia et al. (2013) و همین‌طور تعریف Mikolajczak and Roskam (2018) از فرسودگی والدینی روشن به نظر می‌رسد. چراکه خودانتقادی برآمده از ناکامی مادر در تجربه گرمی و ایمنی دوران کودکی، یک نقصان بزرگ در سرمایه عاطفی و شناختی درونی او به وجود آورده و او را در مواجهه با مقتضیات پرتنش دوران والدگری بسیار آسیب‌پذیر خواهد ساخت. این موضوع با پیشینه پژوهشی پرتکراری (Barcaccia et al., 2020; Campos et al., 2010; Cheng & Furnham, 2004; Gouveia et al., 2013; Lassri & Shahar, 2012; Luoma & Chwyl, 2020; Özdemir & Sağkal, 2019; Pinto-Thompson & Zuroff, 2004) که خودانتقادی را به‌عنوان واسطه اصلی در روابط میان خاطرات دوران کودکی با سلامت روان و روابط بین‌فردی دوره بزرگسالی مطرح می‌سازد نیز هم‌سویی دارد. هرچند وجه تازه‌ای که در این یافته خودنمایی می‌نماید، تأثیر غیرمستقیم این خاطرات بر تجربه فرسودگی والدینی است که تاکنون در این حوزه پژوهشی خاص موردتوجه قرار نگرفته است.

البته بایستی در نظر داشت که مطالعه حاضر نیز دارای محدودیت‌هایی است که تعمیم نتایج آن را با احتیاط همراه خواهد ساخت. نخست این‌که پژوهش حاضر در چارچوب یک طرح مقطعی انجام‌گرفته که امکان استنباط علّی را فراهم ننموده و درنتیجه احتمال وجود مدل‌های جایگزین را منتفی نمی‌سازد. برای مثال، ممکن است خود تجربه استرس و فرسودگی والدینی والد را درگیر فرایند طاقت‌فرسای خودانتقادی نماید. ازاین‌رو بایستی اذعان نمود که پژوهش‌های آتی با تکیه‌بر طرح‌های طولی می‌توانند به بهتر و دقیق‌تری از روابط میان برخی از این متغیرها دست یابند. به‌علاوه، پژوهش حاضر با تمرکز صرف بر روی یک نمونه بسیار محدودشده از مادران که فرزندانی در یک مقطع سنی مشخص داشته و به لحاظ خانوادگی از شرایطی نسبتاً معمول برخوردار بودند، انجام‌گرفته است. لذا بایستی در نظر داشت که پژوهش‌های آتی می‌تواند رابطه همین متغیرها را در نمونه مرکبی از هر دو والد یا والدینی که به نحوی –همچون برخورداری از یک فرزند معلول، ناتوان یا دارای اختلال روان‌شناختی– در توصیف نمونه‌های بالینی جای می‌گیرند، موردمطالعه قرار دهند. به‌علاوه باید به خاطر داشت که صرف استفاده از ابزارهای خود گزارشی آن‌هم در یک گردآوری آنلاین داده‌ها، رعایت احتیاط در تعمیم نتایج فعلی را ضروری خواهد ساخت.

درمجموع نتایج این مطالعه با تائید نقش واسطه‌ای خودانتقادی در رابطه میان خاطرات اولیه از گرمی و ایمنی و فرسودگی والدینی مادران، می‌تواند به ترسیم چشم‌اندازی جهت مداخله در بهبود تجربه‌های فرسودگی والدینی کمک نماید. به کلام بهتر پژوهش حاضر، به‌رغم محدودیت‌هایی که به آن اشاره شد، می‌تواند الهام‌بخش متخصصینی باشد که در محیط‌های درمانی یا آموزشی درصدد کاهش درد و رنج ناشی از تجربه فرسودگی والدینی هستند. بدین معنا که لااقل در خصوص والدین فرسوده‌ای که در دوران کودکی و نوجوانی خود از یک محیط گرم و ایمن بی‌بهره بوده‌اند، می‌توان به امکان تغییر در فرایند خودانتقادی درونی امید بست. به‌ویژه چنان‌که در بخش مقدمه نیز بدان اشاره گردید در نظر گرفتن جنبه مثبت خودانتقادی که در پژوهش‌های حوزه والدگری چندان موردتوجه قرار نگرفته، می‌تواند به فتح بابی در بررسی تأثیر جنبه‌های مختلف این فرایند بر تجربه‌های والدین و نحوه تعامل آن‌ها با فرزندان خویش کمک نماید.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان‌نشده است.

References

Bakker, A. B., & Demerouti, E. (2007). The job demands-resources model: state of the art. Journal of Management Psychology, 22, 309–326. https://doi.org/10.1108/02683940710733115

Barcaccia, B., Salvati, M., Pallini, S., Baiocco, R., Curcio, G., Mancini, F., & Vecchio, G. M. (2020). Interpersonal forgiveness and adolescent depression. The mediational role of self-reassurance and self-criticism. Journal of Child and Family Studies, 29(2), 462-470. https://doi.org/10.1007/s10826-019-01550-1

Beebe, B., Jaffe, J., Buck, K., Chen, H., Cohen, P., Blatt, S., & Andrews, H. (2007). Six-week postpartum maternal self-criticism and dependency and 4-month mother-infant self- and interactive contingencies. Developmental Psychology, 43(6), 1360–1376. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0012-1649.43.6.1360

Bentler, P. M. (2010). SEM with simplicity and accuracy. *Journal of Consumer Psychology*, *20*(2), 215-220. https://doi.org/10.1016/j.jcps.2010.03.002

Blatt, S. J., & Homann, E. (1992). Parent-child interaction in the etiology of dependent and self-critical depression. *Clinical psychology review*, *12*(1), 47-91. https://doi.org/10.1016/0272-7358(92)90091-L

Campos, R. C., Besser, A., & Blatt, S. J. (2010). The mediating role of self-criticism and dependency in the association between perceptions of maternal caring and depressive symptoms. *Depression and anxiety*, *27*(12), 1149-1157. https://doi.org/10.1002/da.20763

Casalin, S., Luyten, P., Besser, A., Wouters, S., & Vliegen, N. (2014). A longitudinal cross-lagged study of the role of parental self- criticism, dependency, depression, and parenting stress in the development of child negative affectivity. *Self and Identity*, 13(4), 491–511. https://doi.org/10.1080/15298868.2013.873076

Chen, B. B., Qu, Y., Yang, B., & Chen, X. (2022). Chinese mothers' parental burnout and adolescents' internalizing and externalizing problems: The mediating role of maternal hostility. *Developmental psychology*, *58*(4), 768. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/dev0001311

Cheng, H., & Furnham, A. (2004). Perceived parental rearing style, self-esteem and self-criticism as predictors of happiness. *Journal of happiness studies*, *5*(1), 1-21. https://doi.org/10.1023/B:JOHS.0000021704.35267.05

Finan, S., McMahon, A., & Russell, S. (2022). "At What Cost am I Doing This?" An interpretative phenomenological analysis of the experience of burnout among private practitioner psychotherapists. *Counselling and Psychotherapy Research*, *22*(1), 43-54. https://doi.org/10.1002/capr.12483

Fung, J., Lin, C., Joo, S., & Wong, M. S. (2022). Factors Associated with Burnout, Marital Conflict, and Life Satisfaction among Chinese American Church Leaders. *Journal of Psychology and Theology*, *50*(3), 276-291. https://doi.org/10.1177/00916471211011594

Gilbert, P., Clarke, M., Hempel, S., Miles, J. N., & Irons, C. (2004). Criticizing and reassuring oneself: An exploration of forms, styles and reasons in female students. *British Journal of Clinical Psychology*, 43(1), 31-50. https://doi.org/10.1348/014466504772812959

Hooper, D., Coughlan, J., & Mullen, M. (2008, September). Evaluating model fit: a synthesis of the structural equation modelling literature. In 7th European Conference on research methodology for business and management studies (pp. 195-200). https://books.google.com/books?hl=fa&lr=lang_en&id=ZZoHBAAAQBAJ&oi=fnd&pg

Karimi, P., Karimi, J., & Dehghan, F. (2015). Relationship between Attachment Styles and Conflict Resolution Styles and Married Employee's Marital Burnout. *Quarterly Journal of Women and Society*, 5(20), 53-70. [In Persian] https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088566.1393.5.20.4.4

Kawamoto, T., Furutani, K., & Alimardani, M. (2018). Preliminary validation of Japanese version of the parental burnout inventory and its relationship with perfectionism. *Frontiers of Psychology*, 9, 970. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.00970

Kayseri, M. (2021). The relationship between perceived parenting styles and self-criticism of Isfahan University students. *The first national scientific conference of psychology students*, Ardabil. [In Persian] https://civilica.com/doc/1314378

Khanjaani, Z., Hashemi Nosratabad, T., & Pakravan, H. (2021). Predicting parental burnout during corona quarantine based on perfectionism and positive and negative effects of primary school children. *Rooyesh*, 10(8), 209-218. [In Persian] http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1400.10.8.20.4

Kline, R. B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications. https://books.google.com/books?hl=fa&lr=lang_en&id=t2CvEAAAQBAJ&oi=fnd&pg

Lassri, D., & Shahar, G. (2012). Self-criticism mediates the link between childhood emotional maltreatment and young adults' romantic relationships. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 31, 289–311. https://doi.org/10.1521/jscp.2012.31.3.289

Lindström, C., Åman, J., & Norberg, A. L. (2011). Parental burnout in relation to sociodemographic, psychosocial and personality factors as well as disease duration and glycaemic control in children with Type 1 diabetes mellitus. *Acta Paediatrica*, *100*(7), 1011-1017. https://doi.org/10.1111/j.1651-2227.2011.02198.x

Luoma, J. B., & Chwyl, C. (2020). Interpersonal mechanisms for the maintenance of self-criticism: Expressive suppression, emotion expression, and self-concealment. *Current Psychology*, 1-14. https://doi.org/10.1007/s12144-020-00920-z

Mikolajczak, M., & Roskam, I. (2018). A theoretical and clinical framework for parental burnout: The Balance between Risks and Resources. *Frontiers in Psychology*, 9, 886. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.00886

Mikolajczak, M., & Roskam, I. (2020). Parental burnout: Moving the focus from children to parents. *New directions for child and adolescent development*, *2020*(174), 7-13. https://doi.org/10.1002/cad.20376

Mikolajczak, M., Brianda, M. E., Avalosse, H., & Roskam, I. (2018). Consequences of parental burnout: Its specific effect on child neglect and violence. *Child abuse & neglect*, *80*, 134-145. https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2018.03.025

Mikolajczak, M., Gross, J. J., & Roskam, I. (2019). Parental burnout: What is it, and why does it matter?. *Clinical Psychological Science*, *7*(6), 1319-1329. https://doi.org/10.1177/2167702619858430

Mikolajczak, M., Gross, J. J., Stinglhamber, F., Lindahl Norberg, A., & Roskam, I. (2020). Is parental burnout distinct from job burnout and depressive symptoms?. *Clinical Psychological Science*, *8*(4), 673-689. https://doi.org/10.1177/2167702620917447

Moreira, H., & Canavarro, M. C. (2018). The association between self-critical rumination and parenting stress: The mediating role of mindful parenting. *Journal of Child and Family Studies*, *27*(7), 2265-2275. https://doi.org/10.1007/s10826-018-1072-x

Mousavi, S. F. (2020). The comparison of parental burnout experience and attitudes towards gender roles in employed and non-employed mothers living in Tehran. *Women's Studies (Sociological & Psychological)*, 4(65), 7-32. [In Persian] https://doi.org/10.22051/jwsps.2020.31965.2250

Mousavi, S. F., Parastanpoor, M., & Asghari, M. (2021). Visual impairment in children: Comparison of marital satisfaction, parental alliance and parental burnout in Iranian fathers and mothers. *Psychology of Exceptional Individuals*, *11*(44), 141-167. [In Persian] https://doi.org/10.22054/JPE.2022.62538.2359

Mousavi, S., Mikolajczak, M., & Roskam, I. (2020). Parental burnout in Iran: Psychometric properties of the Persian (Farsi) version of the Parental Burnout Assessment (PBA). *New Directions for Child and Adolescent Development*, 174, 85-100. https://doi.org/10.1002/cad.20369

Özdemir, Y., & Sağkal, A. S. (2019). Recalled parenting practices and psychological distress in Turkish emerging adults: the role of self-criticism. *Psychological Reports*, *122*(5), 1720-1743. https://doi.org/10.1177/0033294118798623

Pines, A. M. (2004). Adult attachment styles and their relationship to burnout: A preliminary, cross-cultural investigation. *Work & Stress*, *18*(1), 66-80. https://doi.org/10.1080/02678370310001645025

Pinto-Gouveia, J., Castilho, P., Matos, M., & Xavier, A. (2013). Centrality of shame memories and psychopathology: The mediator effect of self-criticism. *Clinical Psychology: Science and Practice*, *20*(3), 323. https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/cpsp.12044

Puyané, M., Subirà, S., Torres, A., Roca, A., Garcia-Esteve, L., & Gelabert, E. (2022). Personality traits as a risk factor for postpartum depression: A systematic review and meta-analysis. *Journal of Affective Disorders*, *298*, 577-589. https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.11.010

Reizer, A. (2015). Influence of employees' attachment styles on their life satisfaction as mediated by job satisfaction and burnout. *The Journal of psychology*, *149*(4), 356-377. https://doi.org/10.1080/00223980.2014.881312

Richter, A., Gilbert, P., & McEwan, K. (2009). Development of an early memories of warmth and safeness scale and its relationship to psychopathology. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 82(2), 171-184. https://doi.org/10.1348/147608308X395213

Ronen, S., & Mikulincer, M. (2009). Attachment orientations and job burnout: The mediating roles of team cohesion and organizational fairness. *Journal of Social and Personal Relationships*, *26*(4), 549-567. https://doi.org/10.1177/0265407509347930

Roskam, I., & Mikolajczak, M. (2020). Gender differences in the nature, antecedents and consequences of parental burnout. *Sex Roles*, 83(7), 485-498. https://doi.org/10.1007/s11199-020-01121-5

Roskam, I., Brianda, M., & Mikolajczak, M. (2018). A step forward in the conceptualization and measurement of parental burnout: The Parental Burnout Assessment (PBA). *Frontiers in psychology*, 9, 758. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.00758

Saadati, A., mazboohi, S., & Marzi, S. (2019). A confirmatory factor analysis and validation of the forms of self-criticism/reassurance scale among teachers. *Quarterly of Educational Measurement*, 9(34), 133-147. [In Persian] https://doi.org/10.22054/jem.2019.20805.1520n

Sadeghzadeh, M., & Abbasi, M. (2022). Psychometric properties of Parental Burnout Assessment (PBA) in Iranian mothers with preschool children. *Journal of New Strategies in Psychology and Educational Sciences,* 5(14), 282-296. https://www.ijpk.ir/showpaper/45310602264b86b8b7c254

shomaliahmadabadi, M., barkhordariahmadabadi, A., & aryanpoor, L. (2021). The role of Parental Burnout in Child Maltreatment in During Pandemic of Covid-19. *Pouyesh in Humanities Education*, *7*(24), 17-32. [In Persian] https://frooyesh.ir/article-1-2514-fa.pdf

Sorkkila, M., & Aunola, K. (2020). Risk factors for parental burnout among Finnish parents: The role of socially prescribed perfectionism. *Journal of Child and Family Studies*, *29*(3), 648-659. https://doi.org/10.1007/s10826-019-01607-1

Thompson, R., & Zuroff, D. C. (1999). Development of self-criticism in adolescent girls: Roles of maternal dissatisfaction, maternal coldness, and insecure attachment. *Journal of youth and adolescence*, *28*(2), 197-210. https://doi.org/10.1023/A:1021601431296

Vigouroux, S. L., & Scola, C. (2018). Differences in parental burnout: Influence of demographic factors and personality of parents and children. *Frontiers in psychology*, *9*, 887. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.00887

Vliegen, N., Luyten, P., Besser, A., Casalin, S., Kempke, S., & Tang, E. (2010). Stability and change in levels of depression and personality: a follow-up study of postpartum depressed mothers that were hospitalized in a mother-infant unit. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 198(1), 45–51. https://doi.org/10.1097/NMD.0b013e3181c8aa57

World Health Organization (WHO). Process of translation and adaptation of instruments. (2006). Available online at: https://www.who.int/substance_abuse/research_tools/translation/en/

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Licensee Family Psychology Association of Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)